روزنامه شرق

جهان

مسائل پنجگانه دولت یازدهم؛ گفت‌وگو با پرویز صداقت — صفحه ۱۰

مشکلات اقتصادی ایران به روایت آمار — صفحه ۱۰

جادوی پرسش‌های هاول؛ گفت‌وگو با سهراب سلیمی — صفحه ۱۲

یـادداشت

تغییر جبهه کرملین

هواپیماهـای جنگـی روسـیه بـر فـراز مواضـع شورشـی‌ها در «ادلب» سـوریه به پرواز درآمدند؛ سـربازخانه‌ها در پایـگاه جدیـدی سـاخته شده و کشـتی‌ها از وسایل جنگی پر و خالی شـدند. روشن شد «ولادیمیـر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسـیه، عقـب نکشـیده، بلکه در حـال تغییـر جبهه اسـت و یکی دیگـر از مانورهای خـود را عملی می‌کنـد؛ مانورهایی کـه مکررا در آنهـا نقص‌هـای دولـت «بـاراک اوباما» همتای آمریکایی او را به رخ می‌کشد.

هنوز مشخص نیست روسیه در سـوریه چه هدفی را دنبال می‌کند. برخـی تحلیلگـران ادعـا می‌کنند «پوتین درمانده» به دلیل شکسـت در اوکراین، به دخالت در خاورمیانه رسیده است.

امـا راه دیگـری بـرای تحلیل ایـن موضـوع، ایـن اسـت: پوتین در تلاش اسـت تـا از فشـار خود در جبهـه جدیـدی بـرای پذیرش خواسـته‌هایش در اوکراین توسـط غرب اسـتفاده کند. گویا او سـعی دارد پیروزی خود را در تئاتری دیگر جشن بگیرد.

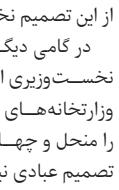
دراین‌میان هیچ‌کـس به اندازه مردی که از مردم مسـکو خواست دست به اعتراض بزنند، خام آخرین هنرنمایـی کرملین نشـده اسـت: «جان کری»، وزیر خارجه آمریکا، در ماه می، به اسـتراحتگاه موردعلاقه پوتین، سـوچی، سـفر کرد تا درباره ایران، اوکراین و سوریه با او تبادل‌نظر کند. در تابستان، زمانی که واشنگتن سرگرم توافق هسته‌ای با ایران بود دیپلمات‌های آمریکایـی و اروپایی به‌آرامـی بـه دولت حامـی غرب «پترو پوروشـنکو»، رئیس‌جمهوری اوکرایـن، تکیه کردند. در سـوچی، کـری گویا حمایت کامـل آمریکا از استقرار توافقی موسوم به مینسک۲ را اعلام کـرده بود؛ توافقـی که با وسـاطت آلمان و فرانسه در فوریه منعقد شـد. این توافق برای کی‌یف یکی از بدترین‌ها بود. کی‌یف باید با هدف ارائه قدرت بیشـتر به مناطق تحت اشـغال روسـیه، اصلاحات قانونـی انجام دهد و این اصلاحات باید نمایندگان مسکو را راضی کند. این مسئله به پوتین یک حق وتو در ساختار حاکمیت اوکراین می‌دهد.

اما با وجود اینکه روسـیه حتی هدف و شـرط اول توافق مینسـک یا همـان آتش‌بس را اجـرا نکرد، پوروشـنکو از سـوی دولت اوباما برای ارائه بسـته اصـلاح قانون به پارلمـان اوکراین، به‌شـدت تحت فشـار قرار گرفت. پوتین بااین‌حال، این امتیـازات را نپذیرفت و صراحتا اعلام کـرد این اصلاحـات به درد نمایندگانش در اوکراین نمی‌خورد و اساس ساختار قدرت را در این کشور تغییـر نداده اسـت. حـالا چگونه می‌توان این سیاست‌ها را در سوریه تفسیر کرد؟

در آنجا هم به‌نظر می‌رسد پوتین نقشـه روشـن اما «زیانبار» دیگری دارد. پوتیـن احتمـالا در توصیـف وخامـت اوضـاع داسـتان‌پردازی کـرده و بلوف می‌زند، اما شـاید او محاسبه کرده است دولت اوباما به جنگ‌طلبی دولت روسیه در سوریه بـه همـان طریقی کـه در اوکراین پیش آمد، واکنش نشان می‌دهد: با پذیرش کامل خواسته‌های او، فشار بر سـوریه و متحـدان عربش برای پذیرفتن آن.

نگاه

ناکامی‌های یک نخست‌وزیر



آزاد حاجی‌آقایی

با وجـود آنکه بیش از شـش مـاه از به‌قدرت‌رسـیدن «حیدر العبـادی» در عـراق می‌گذرد، امـا بحران‌های داخلی این کشـور در ابعـاد مختلف تداوم خود را همچنان حفـظ کرده و وعده‌های نخست‌وزیر این کشور مبنی بر تغییر اوضاع کشور نیز همچنان تحقق نیافته اسـت. اما ماه گذشته نخسـت‌وزیر عراق در مقابله با اوضاع نابسـامان این کشور و فسـاد گسـترده، در اقدامی پیش‌بینی‌نشده تصمیم انحلال چند پسـت معاونت نخسـت‌وزیری و وزارتخانه را ابلاغ کرد و وعده داد در راسـتای مقابله با فسـاد گسـترده در این کشـور مناصب اجرائی و مدیریتی کشور را تعدیل و شمار محافظان مقامـات عراقی را کم کند؛ اقدامات و وعده‌های عبادی در دو هفته اول با حمایت گسـترده مردمی همراه شد، اما فضای عمومی عراق اکنون با موجی از سرخوردگی عراقیان مواجه شده است.

تجربه سیاسی عراق بعد از سقوط «صدام»، دیکتاتور سابق عراق، نشان می‌دهد در این کشور تصمیمات سرنوشت‌ساز بدون موافقت شـیعیان، کردها و سـنی‌ها هیچ‌گاه گام در وادی عمل نگذاشـته و سیسـتم حزبی- پارلمانی این کشـور نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع تحقق اصلاحات در این کشور، اجازه اصلاحات سیاسی را در این کشور نداده است. بنا به اظهارات معاونان نخست‌وزیری، عبادی با تک‌روی خود، آنها را در جریان تصمیم‌گیری‌های خود نگذاشـته و آنها خبر انحلال پست‌هایشـان را از رسانه‌های عمومی شنیده‌اند؛ اما این اصلاحات نیز تاکنون عملی نشـده و «نـوری مالکی»، «ایاد علاوی» و «اسـامه نجیفی» از مقامات ارشـد این کشـور نیز اعلام کرده‌انـد که چنیـن تصمیمی غیرقانونی به‌شـمار مـی‌رود. «فواد معصـوم»، رئیس‌جمهوری عراق، نیز ضمن اعلام عدم اطلاع قبلی از این تصمیم نخست‌وزیر عراق، آن را غیرقانونی خوانده است.

در گامی دیگـر، عبادی متعاقـب انحلال پسـت‌های معاونت نخسـت‌وزیری اعلام کـرد که بـرای تقلیل وزارتخانه‌هـای عراق، وزارتخانه‌هـای حقوق‌بشـر، امور زنـان، اسـتان‌ها و امور مجلس را منحل و چهـار وزارتخانه دیگر را در یکدیگـر ادغام می‌کند. این تصمیم عبادی نیز بدون مشاوره با گروه‌های سیاسی قدرتمند عراق اتخاذ شـده اسـت. اما قانون‌گذاران عراقی بر این باورند که حذف این پسـت‌ها و مناصب جزء اختیارات نخسـت‌وزیری نبوده است و درخواسـت عبـادی از پارلمان نیز نمی‌تواند از مشـروعیت قانونی برخوردار باشـد؛ از سـوی دیگر، فرایند انحلال و ادغام وزارتخانه‌ها نیـز روندی دشـوار و لازمه این امر لغو برخـی از قوانین و تصویب قوانینی دیگر است.

یکـی دیگر از اقدامات عبادی در چند هفته گذشـته حذف ۱۲۳ منصب ارشـد مدیریتی بود. اما از آنجا که در عراق تقسیم مناصب حکومتی کاملا حزبی اسـت، احزاب شرکت‌کننده در دولت به هیچ عنوان مایل به ترک این مناصب مهم اجرائی نیستند.

در واکنـش به این اقدامـات، «محمد بیاتی»، وزیر حقوق‌بشـر عراق، در کنفرانسی خبری گفت که از طریق رسانه‌های خبری از این تصمیم نخست‌وزیر اطلاع یافته است. ترکمن‌های شیعی عراق نیز در مقابله با این اقدام عبادی، تظاهرات و با مسدودکردن راه کرکوک - بغداد تهدید کردند که نیروهای نظامی خود را از نیروهای «حشد الشـعبی» فرامی‌خوانند. در برهه کنونی، نیروهای سیاسی عراق بر این باورند که عبادی با درپیش‌گرفتن چنین اقداماتی درصدد تقویت حزب «الدعـوه» و دولت قانون و تضعیف دیگـر گروه‌های عراقی برآمده اسـت. به‌نظر مخالفـان عبادی، او در راه دسـتیابی به یک حاکمیت مطلقه گام برمی‌دارد. تصمیمـات کنونی عبادی هرچند در مراحل اولیه آن با پشـتیبانی گسترده مردم همراه شد، اما اکنون به علت عدم تعمیق این اصلاحات، نارضایتی از آن رو به گسـترش اسـت. نگاهی به وزراتخانه‌های منحل‌شـده نمایانگر این واقعیت اسـت که هیچ‌کدام از این وزراتخانه‌ها کلیدی نبوده و در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ به‌منظور کسب رضایت رهبران احزاب عراقی و صرفا در راستای سهیم‌شدن آنها در سیاست تأسیس شده‌اند. معترضان میدان «تحریر» بغداد بر این باورند که اکنون هیچ شخصی در عراق با تصمیمات عبادی همراه نیست؛ چراکه اصلاحات عبادی در مسیر صحیحی روی نداده و صرفا برای ساکت‌کردن مخالفان بوده است.

از سـوی دیگر، بحران «داعـش» و تداوم حضور ایـن گروه در شـهر مهم «بیجی» فشـارهای فراوان داخلـی و بین‌المللی را در راسـتای اقدامی عاجل برای رهایی غیرنظامیان این شهر به عبادی تحمیل کرده اسـت. در سـطح بین‌المللی نیز به‌نظر می‌رسـد که کشـورهای ائتلاف به رهبری آمریـکا با برخـی از اقدامات عبادی همراه نبوده‌اند و از اهمال حکومت او نسبت به عملی‌کردن آشتی ملی با اعراب سنی نیز ناخرسـند هستند. همچنین، به‌نظر می‌رسد آمریکا، آینده درازمدتی را برای عبادی متصور نیسـتد. عدم‌حمایت هوایی آمریکا از نیروهای حشـد الشـعبی در نبرد «تکریت» پیامی بود که آمریکا به عبادی داد. به‌نظر می‌رسد با تداوم بحران داخلی عراق، عدم‌موفقیت عبادی در پیشبرد اصلاحات، تداوم اختلافات با منطقه اقلیم کردستان و بسط هیمنه نیروهای حشد الشعبی، دامنه بحران‌های عراق وارد مرحله جدیدی شـده، درنهایت به رویارویی مجدد کشـورهای منطقه در عراق منجر می‌شـود؛ در صورت بروز چنین برخوردی، موقعیت عبـادی در هاله‌ای از ابهام فرومی‌رود و مصائب نخست‌وزیران عراق همچنان ناتمام می‌ماند.



عکس: Reuters

مصاحبه با «ابراهیم شریف» مبارز بحرینی که چندی‌پیش آزاد شد و دوباره به زندان افتاد

کافی است باد کوچکی بوزد

ترجمه: علی ملکی

«ابراهیم شـریف» مبارز بحرینی و دبیرکل «جمعیـت دموکراتیک» یا همان «العمل الوطنی» موسوم به «وعد»* است. او پس از چهار سال زندان، خرداد گذشـته آزاد، اما سـه هفته بعد از آزادی، دوباره دسـتگیر شد و به زندان افتـاد. دولت بحرین اتهام شـریف را «تحریک به دشـمنی با نظام بحرین اعلام کرده اسـت. اما جمعیت وعد، هدف اصلی بازداشت مجدد شریف را تلاش حاکمیت برای خاموش‌کردن دیدگاه‌ها و مصادره حق آزادی بیانش توصیف کرد و آزادی فوری او را خواسـتار شد. «شیخ علی سلمان» دبیرکل جمعیت «الوفاق بحرین»، که خودش نیز هم‌اکنون در زندان‌های آل خلیفه به سر می‌برد، پیش‌تر درباره شریف گفته بود: «شریف شایسته تصدی پست نخست‌وزیری بحرین است اما اکنون در زندان آل خلیفه به سر می‌برد». این گفت‌وگو پس از آزادی و قبل از اسارت دوباره شریف انجام شده است و در آن مصاحبه‌شـونده از اوضاع کلی بحرین، خواسته‌ها و مطالبات مخالفان، ارتباط و اختلاف بین آنها و نیز شرایط زندان می‌گوید که خواندنی است:

بعد از پنج سال مردم بحرین را در ادامه مبارزه‌شان چگونه می‌بینید؟

مـردم روحیـه خوبی دارنـد. البته ما در زنـدان با جهان خـارج ارتباط داشـتیم. گروهی ۱۳نفره بودیم که اخبار به ما می‌رسید. روزنامه‌های رسمی به اسـتثنای «الوسط» برای ما می‌آمد. تقریبا روزانه سـه روزنامه داخلی را ورق می‌زدیم. بسـیاری از خبرها هم از طریق اشـخاص به ما می‌رسید. من به‌شخصه نسـبت به ادامه قیام مردم بحرین خوشبینم. در هیچ‌کجا انقلابی تـا این‌حد طولانی و به این شـکل نبوده اسـت. نیروی امنیتـی نظام حاکم وحشـتناک اسـت و از خارج هم تقویت می‌شـود. نظام بین‌المللی ابتدا به مسـئله بحرین توجه نشان می‌داد، اما الان بحرین برای آنان فقط شده است یک مسئله حقوقی. فشارها کم شده است. حال آنکه ده‌ها نفر هنوز در زندان هسـتند. در یک مبارزه طولانی، مهم‌ترین شرط این است که حکومت نتواند تو را به همان نقطه شـروع برگرداند؛ یعنی به جایی که آن دیوار ترس وجود داشـت. درست اسـت که مردم الان نمی‌توانند تظاهرات کنند و شبکه‌های اجتماعی کاملا مسـدود و مقید اسـت اما این ظاهر امور اسـت. باطن امور می‌گوید مردم دیگر سرکوب را تحمل نخواهند کرد و این خیلی خوب است.

آیا شـرایط برای مخالفان به گونه‌ای هسـت که خواستار چیزهایی فراتر از «سـند منامه» باشند؟ بهتر نیسـت در این مطالبات تجدیدنظر شود؟

هیچ تغییـری نمی‌تواند بدون وجود توازن قوا شـکل بگیرد. مخالفان هیچ کشوری بدون زحمت دستاوردی نداشـتند. روشن است که مخالفان در مواردی می‌توانند کوتاه بیایند اما این کوتاه‌آمدن نباید از حقوق اساسـی ملت باشد. مسـائلی که در «سند منامه» آمده است، درواقع کف مطالبات ماسـت. در آنجا مطالباتی ملی عنوان شـده اسـت و همه مخالفان را زیر یـک چتر واحد گردآوری می‌کند. با این حال گفت‌وگو با حکومت باید طبق یک جدول مشخص باشد. اپوزیسـیون در بحرین ریشه‌های عمیقی دارد و این یک اعتراض نخبه‌گرایانه نیسـت. درواقع بین مردم و رهبران فاصله‌ای نیسـت. مثل قدیم نیسـت که اگر رهبران را هدف قـرار دهی، مخالفت‌ها تمام می‌شـود. به نظر من یکـی از عوامل مهمی کـه موجب این تعمیق اعتراضات شـده، بی‌اعتنایی گسـترده به بخش اعظمی از شـهروندان در ۳۵ سـال گذشته بوده اسـت. بنابراین یک شـهروند عادی در بحرین هیچ راه دیگـری جز اعتراض و مخالفت با این وضع ندارد. حکومت برای همین مجبور می‌شود همه را، با هر سن و سالی، دستگیر کند. جوانان زیر ۱۸ سال را برای چه دستگیر می‌کنند؟ ما الان سه هزار بازداشتی داریم؛ یعنی از بین هر صد مرد، یک نفر در زندان است. در جهان چنین چیزی سابقه ندارد. این نشان می‌دهد که یک جامعه، کلا مخالف است. ممکن است الان مثل سال ۲۰۱۱ نباشـد و نشـود مخالفت با تظاهرات کرد اما کافی است باد کوچکی بوزد تا دوباره این آتش زبانه بکشد. برای همین دولت هیچ راه گریزی ندارد جز اینکه در درازمدت با مخالفان به یک توافق برسد.

گفتید سند منامه می‌تواند بین گروه‌های مختلف تفاهم به وجود آورد. در دوران زندان روی این سند کار کردید؟

موفقیت بزرگی که ما به دسـت آوردیم این اسـت که هر گروهی الان دیگـری را می‌فهمد. برخـی در داخل زندان بودند که می‌گفتند این سـند بهترین دسـتاورد اسـت. اما برخی دیگر می‌گفتند خوب اسـت اما در حد مطلوب نیست. ما به همه اینها احترام می‌گذاریم. من به کسی که می‌گوید ما دنبال یک نظام جمهوری هستیم، احترام می‌گذارم. ۹۰ درصد کشورهای جهان نظام جمهوری دارند. در مقابل کسـانی هسـتند که نظام مشروطه سـلطنتی می‌خواهنـد. ما به نظام حاکم ۱۰ سـال مهلت دادیـم تا نظام مشـروطه را برقرار کند اما نکرد. برای همین اسـت که مردم در درجه اول خواستار پایان‌دادن به این نظام و گشودن صفحه جدیدی هستند. برای من نظام جمهوری یا مشـروطه فرقی نمی‌کند، این شکل قضیه است؛ اما باید به هزینه دست‌یافتن به هریک از این دو فکر کرد.

با «بسیونی»، رئیس کمیته تحقیق در امور زندانیان بحرین، چطور بود؟

ما اول بسیونی را نمی‌شناختیم، خیلی ترس داشتیم اما بعد این ترس‌ها ریخت. بعد از گفت‌وگو با او احساس خوبی داشتیم. ما به‌صراحت مسائل را با او در میان گذاشـتیم. اما در مورد گزارش او باید بگویم «کم‌ترین چیزی بود که ما انتظارش را داشتیم».

در داخل زندان چگونه به اعتراضات خود ادامه می‌دادید؟ آنجا چه می‌کردید؟

در زندان ما بیانیه صادر می‌کردیم و با سازمان‌های حقوق بشری ازجمله آنهایی که وارد بحرین می‌شـدند، ارتباط داشـتیم. ما در بند ۷ بودیم که از بقیـه بندها جدا بود و تنها از دور صدای آه و ناله زندانیان را می‌شـنیدیم. متوسـط عمر زندانیان بند ما تقریبا ۵۰ سـال بود. بین مـا اگر اختلافی‌هم بروز می‌کرد، بیشـتر بر سـر بحث‌هایی بود که می‌توانستیم با درک متقابل آنها را حل کنیم. ولی درعین حال من هم با بقیه ناهار و شـام می‌خوردم. روزهای اول شـکنجه‌ها سـخت بود اما بعد از مدتی اوضاع آسان‌تر شد. شـکنجه و توهین در زندان امری عادی اسـت. اوایل، ما حق نداشـتیم با هم حرف بزنیـم. فقط وقتی نگهبان‌ها نبودند، از فرصت اسـتفاده و چند کلمه‌ای ردوبدل می‌کردیم. اینها مثل شـارژ باطری ما بود. آدم احسـاس می‌کرد تنها نیست و روحیه می‌گرفت. بعضی وقت‌ها کسی نماز می‌خواند و صدایش به آدم دلداری می‌داد. حتی ممنوع کرده بودند نماز را با صدای بلند بخوانند. سخت‌ترین شرایط زندان دوران انفرادی بود.

مهم‌تریـن کتاب‌هایـی که آنجـا خوانـدی چه بـود؟ درس هم می‌خواندید؟

اوایـل کتاب «خاطـرات ماندلا» را، که به زبان انگلیسـی بود، خواندم و بعد رمـان مربوط به «زندان ترمامارت» در مراکش (رمانی نوشـته «طاهر بن جلون» که به فارسـی هم ترجمه شـده اسـت) را خواندم. تصورش را بکن؛ ایـن کتاب را اگر در وضع عادی بیرون بخوانـی، غصه‌ات می‌گیرد اما در آنجا به ما روحیه می‌داد؛ چون می‌فهمیدیم شـرایطی سخت‌تر از ما هم وجود داشـته است. در زندان به‌لحاظ آموزشـی، برنامه فشرده‌ای داشتیم؛ اصلا زندان شـده بود یک دانشـگاه. ما با هم رفیق بودیم. همه رفتارشـان عالـی بود. من با وجـود آنکه چپ بودم، اصلا احسـاس غریبی نمی‌کردم. در زندان احساس می‌کردم درون انسـان یک موهبت الهی است که باعث می‌شـود مقاومت کند. وقت‌هایی در زندان هست که آدم احساس ضعف شـدیدی می‌کند، به‌خصوص هنگام شکنجه. ولی حجم امانتی را که انسان بر دوش خود احسـاس می‌کند، چنان زیاد اسـت که او را بر آن می‌دارد تا احساس ضعف نکند.

در زندان «شیخ علی سلمان» را هم دیدید؟

شیخ علی سـلمان انسان پیشـرویی در بین تمامی جریان‌های اسلامی است. او دید بازی نسـبت به دیگران دارد. البته در بین گروه‌های اسلام‌گرا افراد زیادی هسـتند که این‌طوری فکر می‌کنند اما شیخ علی سلمان خوب می‌داند چطور باید با شیعیان و اهل سنت رفتار کند. ما حدس می‌زدیم که پنج تا ۱۵ سـال به او حبس بدهند. وقتی او را به زندان آوردند، ساعت سه بعدازظهر بود. ماه رمضان بود و همه ما روزه بودیم. من اولین کسـی بودم که از خواب پریدم. هیچ‌کس باورش نمی‌شـد که او را هم آورده باشند. به نظـرم حضور او در زندان مهم اسـت و می‌تواند موقعیـت خوبی را برای همه به وجود آورد.

شـما یک بار درباره جناح‌های حاکـم حرف زده بودیـد. آیا نظام قابل‌اصلاح است؟

من سـال ۲۰۱۱ جزء افرادی بودم که با آنها مذاکره شـد، یعنی همراه با شـیخ علی سلمان با «جفری فلتمن» معاون وزیر خارجه آمریکا و دیگران دیـدار کردیم. ما از سـال ۲۰۰۱ درباره گارد قدیـم و جدید حرف می‌زدیم و می‌گفتیم ممکن اسـت گارد جدید نیروهای قدیمی را کنار بزند. بعد همین حرف را سـال ۲۰۱۱ شـنیدیم. اما دیدیم که این برداشت‌ها درست نیست و هیچ‌کدام از طرفین حاضر به دادن امتیاز نیسـت. به نظرم تغییر فلان پست یا فلان وزیر مشـکلی را حل نمی‌کند. اگر برای مثال نخست‌وزیر تغییر کند، این یک حرفی. البته ما چنین درخواسـتی نکرده‌ایم. اما اگر با این موافقت شـود، می‌توان بعد شرط و شروطی را تعیین کرد. درنهایت اینکه مهم‌ترین اصل در کشور ما یک انتخابات آزاد است.

*** جمعیـت الوعد (العمل الوطنـی و الدیمقراطی)، در سـال ۲۰۰۱ اعلام موجودیت کرد و ادامه تاریخی جبهـه مردمی بحرین (چپ‌گرایان) در این کشور به شـمار می‌آید که ائتلافی را از چپ‌گرایان و ملی‌گرایان و نیروهای مستقل بحرینی در خود جمع کرده است. این جمعیت انتخابات سال ۲۰۰۲ را تحریم کرد، اما در انتخابات سـال ۲۰۰۶ شرکت کرد و در انتخابات بعدی بحرین یعنی ۲۰۱۰ نیز با سـه نامزد حضور داشت. هم‌اکنون «وعد» خود را یکی از قطب‌های رهبری انتفاضه ۱۴ مارس (قیام مردم بحرین) می‌داند.**

منبع: مرآه البحرین

وقتی اعتماد نباشد، شما به یک راه‌حل سیاسی نمی‌رسید. معنای این اعتماد آن نیست که طرفین معاهده‌ای را امضا کنند. بلکه منظور این است که طرفین مقدماتی را فراهم کنند. یعنی هر طرف از چیزهایی کوتاه بیاید؛ برای مثال دولت تحریم‌ها را بردارد، زندانیان را آزاد یا نیروهای امنیتی خود را از کوچه و خیابان جمع کند

چه راهی را برای اعتمادسازی پیشنهاد می‌کنید؟

در مورد سـند منامه کسـی اختلاف ندارد. اختلاف در این است که چه بخشی از این سـند را می‌شـود اجرا کرد و کدام بخش را نمی‌شود. اینکه به حکومت بگوییم این «سـند» ماسـت و تو باید کامل آن را اجرا کنی، یک عمل سیاسـی نیست. عمل سیاسی این اسـت که چیزی را مطرح کنی که امکان تحقق آن وجود داشـته باشـد، بدون اینکه آن برنامه اصلی، یعنی «سند» خودت، را مخدوش کرده باشی. الان بین مخالفان و دولت یک نوع آتش‌بس برقرار اسـت، یعنی فضا کمی سـرد شده اسـت. ما به یک دوره زمانـی احتیاج داریم، یعنی چند ماه، تـا هر دو طرف بتوانند به هم اعتماد کنند. یکی از وجوه اساسـی این اعتماد متقابل آن اسـت که مثلا زندانیان سیاسی آزاد شـوند. بعد از آن می‌شود گفت‌وگوهای واقعی را شروع کرد؛ گفت‌وگوهایی که همه طرف‌ها در آن مشارکت داشته باشند.

شما می‌خواهید این طرح را پیشنهاد کنید؟

این حرف جدیدی نیست. وقتی اعتماد نباشد، شما به یک راه‌حل سیاسی نمی‌رسید. معنای این اعتماد آن نیست که طرفین معاهده‌ای را امضا کنند. بلکه منظور این است که طرفین مقدماتی را فراهم کنند. یعنی هر طرف از چیزهایی کوتاه بیاید؛ برای مثال دولت تحریم‌ها را بردارد، زندانیان را آزاد یا نیروهای امنیتی خود را از کوچه و خیابان جمع کند.

آیا معامله‌ای در زندان به شما پیشنهاد شد؟

نه به مـن و نه به هیچ‌یک از زندانیان دیگـر. در زندان ما را از هم جدا می‌کردند. برای چه؟ چون نمی‌خواستند ما با هم مشورت و دیدگاه‌هایمان را مبادله کنیم. اینها برداشت‌های من است که می‌گویم.

مهم‌ترین اشخاصی که در زندان دیدید، چه کسانی بودند؟ دیدار شما